

تعارض ادله - اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی و مجموعی

برگه جلسه :

صفحه 1659 و 1660

بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی¹ و هوشمند

اصول علاج و مدیریت اخبار علاجیه

در نگاه مجموعی و هوشمند به اخبار علاجیه و در مدیریت و رسیدن به قراری مطمئن در این پیوند، باید به اصولی توجه کرد:

1. کثرت نمونه‌های مدیریت تعارض در اثبات و ثبوت در غیر محیط شرع

مسأله علاج و مدیریت تعارض اسناد معتبر در نصوص دینی، پدیده‌ای است که در غیر محیط اسلام و در میان عقلا نمونه‌های زیادی دارد و خردمندان - هر کدام به اقتضای مبانی مورد نظر خویش - قوانین و راهکارهایی در این باره دارند؛ مثلاً:

در ماده 1309 قانون مدنی ایران مربوط به قبل از انقلاب می‌خوانیم: «در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد».

در مقابل، مطابق نظر شورای نگهبان (منتشره در روزنامه رسمی 12734- 24/8/1367) این ماده مخالف موازین شرع و باطل اعلام گردیده «از این نظر که شهادت بینة شرعی را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته است».

البته مدیریت ناهمسویی گاه مربوط به عالم اثبات، صحن دادگاه و برای داوری و فصل خصومت است و به آیین دادرسی مربوط می‌شود و گاه مربوط به ثبوت و کشف است؛ نظیر آن چه در بحث ما مطرح است که فهمنده نص با دو نص متعارض مواجه است و قصدش کشف حکم شرعی است بدون این که به اثبات یا فصل خصومت و داوری نظر داشته باشد واضح است که - فی الجمله - ملاک و مناط در این دو می‌تواند متفاوت باشد، در فرض اول گاه سنجه‌هایی غیر از کشف واقع دخالت می‌کند و قانونگذار مدیریت تعارض را بر آن پایه تنظیم می‌کند و در فرض دوم چنین نیست.

فتمامل².

2. اصالت عدم تعبد و عدم وجود عنصر رمزآلود در مدیریت تعارض

نباید شک کرد که مدیریت تعارض اسناد، مسأله‌ای عبادی/تعبدی و غیر قابل فهم نیست. همه می‌فهمند که در مدیریت باید سراغ راهها و تعییناتی رفت که حتی الامکان دلیل صحیح و واقعی را بر کرسی اعتبار بنشانند. این راهها و تعیینات عموماً قابل فهم است البته ممکن است شارع مقدس گاه به ملاحظاتی مثل تسهیل بر فهمندگان نص راهکار

آسانتری ارائه دهد، هر چند ممکن است تلفات و تخلفاتی هم نسبت به راههای صعب العبور داشته باشد؛ مثلاً در تعارض اسناد راهکار سهل الاعمال تخییر را پیشنهاد دهد، هر چند راهکار صعب العبور اعمال مرجحات اصابتش به واقع بیشتر باشد. یا در خود راهکارها مثل راهکار اعمال مرجحات، به مرجحاتی اشاره کند و در جایگاهی قرارش دهد که شاید در نگاه ابتدایی فهمندگان نص، آن مرجح خطور نمی‌کرد یا در آن جایگاه قرار نمی‌گرفت لکن این احتمالات، خلاف اصل است و دلیل محکمی می‌خواهد و هرگز نباید خلاف حکمت باشد.

3. اثر رویکرد امضانگاران به اخبار علاجیه

آن چه در شماره 2 گفته شد به معنای نادیده گرفتن مفاد نصوص باب (اخبار علاجیه) نیست³، لکن بی‌تاثیر در برداشت از این ادله و مدیریت آن‌ها هم نیست. مهم فهم واقع‌بینانه و رسیدن به قرار و اطمینان است، حتی خبر واحد ثقة، که نتواند اطمینان‌آور

باشد، در این باره معتبر نیست.

(جلسه هفتاد و نهم)

4. فهم مراحل از مدیریت تعارض حتی بدون توجه به اخبار علاجیه

فی الجمله اشاره کردیم که کشف واقع - و البته گاه جهات دیگری چون مصلحت تسهیل در متکفلان استنباط - نباید در مدیریت تعارض ادله و علاج آن‌ها نادیده گرفته شود از این رو در وقت مدیریت ادله، اولین نکته‌ای که باید مطمع نظر قرار گیرد این است که آیا دو (یا چند) دلیل متعارض که در نگاه اول شرایط اعتبار را دارند، واقعا و تا آخر چنین است؟ یا در وقت عرضه به مثل قرآن، با قرآن موافق نیست؟ به گونه‌ای که اگر اعضاء تعارضش با دلیل معتبر دیگر هم نبود، مشکل پابرجایی داشت. 4 چنان که ترجیح به صفات راویان و استحکام بیشتر سندی یک دلیل بر دلیل دیگر می‌تواند مهمترین شروع برای ترجیح یک دلیل بر دلیل دیگر باشد، لکن این پدیده در موارد محدودی به کار می‌آید و در عموم موارد مشکل اثباتی یا ثبوتی دارد. (مثل مورد تعدد واسطه از امام - علیه السلام - تا فهمنده نص یا مورد همسانی راویان و ...).

موارد واضح و قابل فهم در مدیریت تعارض ادله زیاد است و در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

5. صدور اخبار علاجیه در شرایط مختلف و برای ظرفیت‌های متفاوت

متامل حوصله دار در اخبار علاجیه - مثل صاحب حدس فارغ از تامل در روایات نیز - به این نکته می‌رسد که روایات مورد نظر برای شرایط مختلف، افراد مختلف (مخاطب عوام و مخاطب مستنبت)، زمانهای گوناگون (در عصر حضور و وجود یک یا چند واسطه محدود و در عصر غیبت و وجود واسطه های متعدد) و... صادر شده است. این تفاوت‌ها را در فهم و مدیریت اخبار علاجیه باید در نظر گرفت و ادله را بر آن پایه مدیریت کرد و با یکدیگر جمع نمود، بدون این که این جمع مصداق جمع تبرعی غیر عرفی باشد.

(پایان جلسه)

1. در مقابل نگاه موردی/ شروع شده از صفحه 1609 (=3117).

2. اشاره به قابل نقد بودن آن چه در فرض دوم گفته شد. آن چه در رقم دوم می‌آید وجه تامل را روشن می‌سازد.

3. شاید هیچ باحثی تاکنون مثل ما این اخبار را در بحث جمع نکرده باشد.

4. مسأله مهمی است که در ادامه باید به آن رسیدگی شود.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که با شما داریم تحت عنوان اصول علاج و مدیریت اخبار علاجیه. البته این اصول فقط برای علاج اخبار علاجیه نیست بلکه در غیر اخبار علاجیه هم به کار می‌آید ولی چون بحث ما معالجه‌ی خود اخبار علاجیه است و می‌خواهیم این اخبار را به صورت مجموعی و سیستمی بررسی کنیم این اصول را در این جا آورده ایم. دیروز سه اصل را اشاره کردیم. عرض کردیم این مشکل ما در عقلا زیاد است و خوب است که ببینیم عقلا چه می‌کنند. نکته‌ی دوم گفتیم در این جور مسائل نباید نگاه رمز گونه و تعبدی به ادله داشته باشیم. و نکته‌ی سوم اثر این نگاه بود و گفتیم که ما نمی‌خواهیم دلیلی را اضافه کنیم ولی این رویکرد و این نگاه در جمع بین ادله اثر می‌گذارد. قبل از این که اصل چهارم را بیان کنم دو نکته را باید تذکر دهم یکی این که فضل ابن شاذان نیشابوری از اصحاب امام صادق نیست حتی از اصحاب امام کاظم نیست بلکه عمدتا از اصحاب امام جواد است و گفته اند از امام رضا ع هم دیده شده است و اگر ما در برگه گفته ایم

فضل بن شاذان از امام صادق ع منظورمان با واسطه بوده است.

نکته ی دیگر مربوط به علی بن مهزیار است که قبلاً داشتیم. من گفتم ایشان اهل هند بوده است بعد می آید به شیراز، البته در رجال دارد ولی باید توجه داشت که منظور از هند کشور هند نیست چون در رجال کشی بعد از این که می گوید اهل هند بوده است توضیح می دهد که «کان قریه من قری فارس»، شاید هندی جان و امثال آن بوده است ولی برخی از کتاب های رجال دیگر این توضیح را ندارد. و ظاهراً منظور از فارس هم ایران است و اهواز هم که ایشان والی اهواز هم بوده، یک حدی از استان فارس و شاید خود شیراز را هم می گرفته است.

اصل چهارم: فهم مراحل مدیریت تعارض حتی بدون توجه به اخبار علاجیه

توضیح: بحث ما مدیریت اخبار علاجیه است. ادعای ما این است که بدون این اخباری که در اخبار علاجیه داشتیم، تعارض قابل فهم است. برخی اوقات است که دو دلیل با هم تعارض دارند یا بیشتر از دو دلیل و همه اشان هم شرائط حجیت را دارند یعنی سند روایت درست است دلالتش هم روشن است تقیتاً هم صادر نشده است (به قول ما از شارع بما هو مبین شریعت صادر شده است) و تعارض می کنند بعد ما عرضه می کنیم بر قرآن می بینیم یکی از این روایات با روح قرآن یا با اصول راهبردی قرآن تعارض دارد مثلاً روایت باهتوهم کی لا یطعموا فی دینکم سندش معتبر است دلالتش هم علی رغم شبهه ای که برخی مانند مرحوم مجلسی و شیخ انصاری دارند، روشن است. یک اشتباه ادبی مرحوم مجلسی کرده است و بر اساس همان جلو آمده است، از روی تقیه هم نیست حال اگر فرض کنیم این روایت با روایاتی که به صورت مطلق می گوید دروغ نگوید، تهمت نزنید تعارض کرد و می خواهیم جمع کنیم وقتی به قرآن عرضه می کنیم می بینیم به هیچ وجه با قرآن و عقل نمی سازد و اگر این روایت قانون بشود و در متن قانون بیاید دیگر هیچ مسلمانی نمی تواند به هیچ چیز اسلام نمی تواند اعتماد کند. در این جا مشخص است که عرضه بر قرآن این روایت را نه فقط در تعارض از حجیت می اندازد بلکه لولا تعارض هم از شرائط می افتد. می خواهیم بگویم گاهی اوقات مثل عرضه بر قرآن که در روایت بود در نگاه اول تعارض دو حجت است اما در نگاه نهایی تعارض دو حجت نیست بلکه تعارض یک حجت با یک حجت نما است به گونه ای که اگر تعارض هم نباشد دیگر حق اخذ به آن حجت نما را نداریم. مثلاً مرحوم صدر و امثال ایشان مثال زدند به روایاتی که در مورد برخی اقوام و شهرها وارد شده بود و گفته بود کردها فلان و ... این ها با روح قرآن سازگار نیست در صورتی که قبول کنیم اگر روایتی هم در ستایش از کردها نداشته باشیم باز هم این روایت توان معارضه را ندارد. البته همیشه هم چنین نیست.

به نظر شما اگر قرار باشد ما مرجحات را بپذیریم (که قبول کرده ایم و می کنیم و ما با آقای آخوند موافق نیستیم و به نظر ما این امر بسیار عقلایی و عقلانی است و در محیط عقلا هم عمل می شود لذا اخبار مرجحات را قابل قبول می دانیم) در ترتیب بین این مرجحات معرکه بود. در روایت ابن حنظله اول صفات راوی بود بعد شهرت، در مرفوعه ی زراره اول شهرت بود بعد صفات راوی. این را چطور حل کنیم؟ ما می خواهیم بگوییم فهم مراحل از تعارض این مشکل را حل می کند. معمولاً در تعارض بین دو سندی که یکی از جهت سندی قوی تر است و یکی بین افواه بودن آیا باید قوت سند را نگاه کنیم یا ببینیم بین افواه کدام مشهور تر است؟ به نظر می رسد تا زمانی که قوت خود دلیل مطرح است مثل این که راوی ها راوی های معتبری هستند تا این که مسأله ای است که شهرت دارد باید اعتبار راوی را گرفت مثل در حادثه ی عاشورا یک مطلبی است که شهرت دارد ولی در کتاب ها کمتر دیده می شود یا اصلاً دیده نمی شود از آن طرف در متون تاریخی معتبر ضد آن شهرت دارد مثلاً وقتی که حضرت ابوالفضل متولد شد ام البنین او را دور سر حسن و حسین چرخاند این یک مطلب مشهوری است ولی در متون تاریخی معتبر این مطلب نیست معمولاً ما تاریخ معتبر را می گیریم لذا اگر ما باشیم و این مطلبی که می فهمیم هیچ گاه مقبوله ی ابن حنظله را که اول صفات راوی را می گفت و بعد شهرت را نمی گذاریم کنار و مرفوعه ی زراره را بگیریم که اول شهرت را می گوید و بعد صفات راوی را. خدا رحمت کند شیخ اعظم را که در مورد این مطلب خیلی صحبت می کند ولی از این عنصر استفاده نمی کند در حالی که به نظر ما این نکته بزنگاه است.

اصل پنجم: صدور اخبار علاجیه در شرائط مختلف و برای ظرفیت های متفاوت

توضیح: اگر کسی این سی چهل روایت علاجیه را بررسی کند به این نتیجه می رسد که این روایات در شرائط مختلف صادر شده است مثلاً از بعضی استفاده می شود که برای زمان حضور است (مثل روایاتی که می گفت حتی تلقی امامک، بنا بر این که بگوییم امام ظاهر در ائمه است مگر این که قرینه داشته باشیم و کلمه ی امام در روایات غیر از این کلمه در قرآن است و یک

نوع تقدس دارد و تا مرز عصمت می رود) و از برخی استفاده می شود که اعم است و شامل زمان غیبت هم می شود. این تفاوت خیلی دست ما را باز می گذارد و اگر برخی از روایات می گوید توقف و احتیاط و برخی دیگر سراغ توقف و احتیاط نرفته است می توانیم این روایات را به این شکل جمع کنیم که روایات توقف و احتیاط برای زمان حضور است، انسان توقف می کند تا می رسد به امام اما در جایی که اگر توقف هم کند باز هم به امام نمی رسد دیگر توقف معنا ندارد. البته ممکن است بگویید این یک جمع تبرعی است. ولی ما روی همین حرف داریم که این جمع تبرعی باشد (از این جا متوجه می شویم که جمع عرفی مختص عام و خاص و مطلق و مقید و امثال این ها نیست بلکه ممکن است این موارد نباشد ولی راه حل و جمعی است که وقتی به عرف می گوئیم می پذیرد و می گوید که راه حل خوبی است) در این جا اگر بتوانیم این را ثابت کنیم که روایات توقف و احتیاط برای زمان حضور باشد و روایات اخذ به مرجحات برای زمان غیبت باشد و مانعی نباشد نباید بگویید جمع تبرعی است. پس روایات ما در یک ظرفیت خاص وارد نشده است.

چند تا از روایات علاجیه صفات راوی داشت مثل روایت ابن حنظله، زراره، داود بن حصین، من قبلا هم گفتم روایان صفات راوی بیشتر در مواردی به کار می آید که یک واسطه وجود دارد و الا در روایاتی که چند واسطه وجود دارد دیگر این مزیت به کار نمی آید مثلا یک مرتبه یک شخصی در کوفه نشسته است دو نفر از مدینه می آیند و به او خبر می دهند و دو خبر متعارض را بیان می کنند در این جا این شخص می تواند خصوصیات این دو را بررسی کند ولی الآن من و شما وقتی می رسیم به دو روایت ناسازگار در وسائل با ده واسطه چقدر می توانیم از صفات راوی استفاده کنیم؟ یک نفر در این روایت خیل خوب است ولی کنارش متوسط است در روایت دیگری به همین شکل یعنی صفات راوی خیلی چیز خوبی است و الآن هم ما گفتیم که شروع مزیت باید با صفات راوی باشد ولی برای واسطه های کم به کار می آید ولی در واسطه های زیاد دیگر ثبوتا (یعنی بر فرض که همه ی روای ها برای ما شناخته شده باشند واقعا نمی شود گفت مجموعه ی این سند قوی تر از آن یکی است) یا اثباتا (یعنی ما نمی دانیم و برای ما مشخص نیست) معمولا قابل استفاده نیست. در مقابل شهرت در واسطه های کم نمی آید و در مواردی که واسطه ها زیاد باشد به کار می آید.

ممکن است بگوییم برخی از این راهکارها را حضرت برای خواص بیان کرده اند مثل موافقت با قرآن آن هم به معنای موافقت با روح و اصول راهبردی و برخی را برای عوام بیان کرده اند مثل مخالفت با عامه یا شهرت. اگر شرائط مختلف صدور را ببینیم خیلی اوقات دیگر تعارض بر طرف می شود و اخبار متعارض می شوند تعارض نما و این بحث اختصاص به اخبار علاجیه ندارد و باید ببینیم در چه ظرفی و در چه شرائطی صادر شده است.